



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) ▶ درس خارج اصول ▶ مباحث الفاظ ▶
تقریر مباحث الفاظ (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-الفاظ/مبحث-الفاظ) ▶ مطلب چهارم: تفاوت بین متعلق امر و نهی

مطلب چهارم: تفاوت بین متعلق امر و نهی

مطلب چهارم: تفاوت بین متعلق امر و نهی

بدون شک اطلاق متعلق امر بدلی است، اگر مولا فرمود صلّ مفادش این است که نمازی بخوان. به عبارت دیگر در بحث مره و تکرار گفته شد مطلوب در صیغه امر صرف الوجود است لذا هر صلاتی بخواند اگر قرینه نباشد امتثال کرده صلّ را، الا اینکه اصولیان در متعلق نهی می‌گویند اطلاق شمولی و استغراقی است. و اگر مولا فرمود لاتکذب یعنی هیچ دروغ نگو و همه افراد کذب حرمت واحده و عصیان واحد و امتثال واحد دارد.

سؤال: چرا متعلق نهی اطلاقش شمولی استغراقی است و متعلق امر اطلاقش بدلی است. به عبارت دیگر ما جز جریان مقدمات حکمت در متعلق امر و نهی دلیل دیگری نداریم پس چرا نتیجه جریان مقدمات حکمت در متعلق امر اطلاق بدلی است و در متعلق نهی اطلاق شمولی است. علت تفاوت چیست؟

جواب: محقق خوئی در محاضرات ج 4، ص 106 می‌فرمایند در صیغه امر صحیح است که مقدمات حکمت در متعلقشان به وجه اشتراک جاری می‌شود لکن یک مقدمه عقلی در صیغه امر به مقدمات حکمت ضمیمه می‌شود و آن مقدمه است که نتیجه می‌دهد متعلق امر اطلاقش بدلی است. و در نهی مقدمه عقلی دیگری به مقدمات حکمت ضمیمه می‌شود و نتیجه می‌دهد اطلاق متعلق نهی شمولی است. سه مورد را محقق خوئی بیان می‌کنند در هر کدام مقدمات حکمت و آن مقدمه عقلی را توضیح می‌دهند و نتیجه‌ای که می‌خواهند را می‌گیرند.

مورد اول: امر و متعلق امر

مولا فرموده صلّ در اینکه امر به صلاة اطلاقش شمولی است یا بدلی می‌فرمایند سه احتمال است:

احتمال اول: اطلاق شمولی استغراقی

مولا همه صلاة‌ها را با این امر از من خواسته باشد. اطلاق شمولی استغراقی.

احتمال دوم: یک صلاتی را از این نمازها از من طلب کرده باشد.

احتمال سوم: مجموعه خاصی از نمازها را مثلا نمازهای یومیه را از من خواسته باشد.

می‌فرمایند احتمال سوم را به مقدمات حکمت نفی می‌کنیم چون مولا در مقام بیان است و اگر نماز یومیه می‌خواست نصب قرینه می‌کرد و قرینه‌ای نیاورده پس خصوص نماز یومیه را از من خواسته است. احتمال اول هم امر به غیر مقدور است که کل نمازها با افراد عرضیه و طولیه مختلف با هم متزاحم و متضادند و قابلیت خواستن از من را ندارد.

به حکم این مقدمه عقلیه اطلاق شمولی در امر منتفی شد. می‌ماند احتمال دوم که مولا از من خواسته یک نمازی را می‌شود اطلاق بدلی. پس در باب صیغه امر مقدمات حکمت و این مقدمه عقلیه که امر به غیر مقدور سزاوار نیست ثابت می‌کند اطلاق متعلق امر بدلی است.

مورد دوم: در متعلق نهی محاسبه کنیم مقدمات حکمت را که مولا فرموده لاتکذب.

احتمال اول: متعلق نهی جمیع افراد کذب است که اطلاق شمولی باشد.

احتمال دوم: متعلق نهی یکی از افراد کذب است که اطلاق بدلی باشد.

احتمال سوم: مجموعه خاصی از کذب را نگو، مثلاً به خدا و پیغمبر دروغ نبند.

می‌فرمایند احتمال سوم را مقدمات حکمت منتفی می‌کند می‌گوید اگر دروغ فقط مخصوص دروغ بستن به خدا و رسول بود باید بیان می‌کرده و نکرده پس این احتمال منتفی است.

احتمال دوم هم می‌فرمایند با یک مقدمه عقلی اطلاق بدلی منتفی است. یک دروغی را نگو. انسان به طبیعت حال همه دروغهای عالم را که نمی‌گوید. یک بار هم راست می‌گوید پس خود بخود اطلاق بدلی را منترک است. و نهی از آن تحصیل حاصل است. می‌ماند احتمال اول که لاتکذب یعنی هیچ دروغی نگو از این باب است که می‌گوییم اطلاق در متعلق نهی شمولی است.

مورد سوم: احکام وضعیه

در باب احکام وضعیه مانند احل الله البیع محقق خویی می‌فرماید اینجا هم اطلاق شمولی است. به این بیان که در موضوع حکم وضعی که بیع باشد سه احتمال است:

احتمال اول: بگوییم خداوند هر بیعی را حلال قرار داده است.

احتمال دوم: به نحو اطلاق بدلی خداوند یک بیعی را حلال قرار داده.

احتمال سوم: بیع با قیدی را خدا حلال قرار داده که بیع عقدی باشد.

می‌فرمایند احتمال سوم به حکم مقدمات حکمت نفی می‌شود. اگر بیع عقدی می‌بود خدا می‌فرمود.

احتمال دوم هم که یک بیع لابعینه جعل حلیت شده باشد مقدمه عقلیه می‌گوید این لغو است. می‌ماند احتمال اول که خداوند هر بیعی را حلال قرار داده.

پس محقق خویی می‌فرمایند در هر سه مورد چه اوامر و چه نواهی و چه موضوعات احکام وضعیه اطلاق و مقدمات حکمت است اما یک مقدمه عقلی هم اضافه می‌شود که در نواهی و احکام وضعیه نتیجه می‌گیریم اطلاق شمولی است و در اوامر مقدمه عقلیه می‌گوید اطلاق بدلی است.

عرض می‌کنیم: موافقت با اصل مدعا مرحوم خویی

در اصل مدعا با محقق خویی موافقیم که متعلق امر اطلاق بدلی و در نهی و احکام وضعیه اطلاق شمولی است. اما در اقامه دلیل موافق نیستیم. زیرا قبل از این تحلیل عقلی به این مطلب دست می‌یابیم. ما در باب موضوعات چه موضوع متعلق حکم وضعی باشد و چه متعلق امر باشد و چه متعلق نهی باشد اطلاق بدلی یا شمولی را از ادوات استفاده می‌کنیم نه از مقدمه عقلیه در موضوع نه متعلق. مولا فرموده اکرم العالم متعلق اکرام است عالم موضوع است و اطلاق و شمول باید از ادوات استفاده شود که الف و لام چه الف و لامی است. در موضوع نهی هم همین است که می‌فرماید لاتشرب الخمر با ادوات شیوه اطلاق را به دست می‌آوریم اگر می‌گفت لاتشرب خمر نمی‌توانستیم استفاده شمول کنیم. در احکام وضعیه هم در موضوع مطلب همین است که احل الله البیع، بیع محلی به لام و مفید شمول است.

لذا اگر مقصود موضوع حکم باشد چه در امر و چه در نهی و چه در احکام وضعیه استفاده عموم از ادوات است و اگر بحث متعلق حکم است در باب نهی متعلق حکم چرا اطلاق شمولی است توضیحش خواهد آمد. اشاره می‌کنیم که در نهی چه نواهی شارع و چه عرفیه غالباً زجر و منع به جهت مفسده در فعل است و عقل می‌گوید کل فرد من افراد الکذب این مفسده را دارد لذا به خاطر وجود مفسده در کل فرد نهی هم متعلق به کل افراد خواهد بود. ادامه مطلب چهارشنبه بعد از تعطیلات دهه محرم این شاء الله.

در مبحث نواهی چهار مطلب را بررسی کردیم:

1- معنای ماده و هیئت نهی، که گفتیم به معنای زجر انشائی است.

2- نهی ظهور دارد در زجر شدید (تحریم) به حکم وضع و تبادل اطردی.

3- کلماتی که در زبان عربی و روایات به معنای زجر بکار می‌روند مانند لایمصلح بدون قرینه ظهور در زجر تحریمی ندارند نه بالوضع و نه بالإطلاق.

4- اطلاق متعلق امر بدلی و اطلاق متعلق نهی شمولی است.

چند مطلب دیگر هست که عناوینش را اشاره می‌کنیم و هر کدام را در جایگاه مناسبش بررسی خواهیم کرد: [2]

1- آیا نهی همیشه ناشی از مفسده در متعلق است لذا اگر در متعلق مفسده نبود اما در ترکش مصلحت بود در حقیقت امر است یا نهی؟

2- نهی با ملاحظه خطاب و ملاک به اقسامی تقسیم می‌شود، بعض نواهی هم خطابا هم ملاکا نهی نفسی هستند مانند لاتشرب بالله و بعض نواهی خطابا و ملاکا نهی غیری هستند و بعض نواهی خطابا نفسی هستند و ملاکا غیری هستند مانند لاتشرب الخمر که عدم شرب خمر بر عهده آمده اما ملاک غیری است یعنی آثارش مفسده دارد نه خود شرب.

در مسأله هل یقتضی النهی الفساد این بحث را بررسی خواهیم کرد.

